

جشن های ملی و میهنی ایرانیان، گویای فرهنگ پربار و غنی ملتی ست به دیرینگی تاریخ- فرهنگ ملتی که بر پایه های شادی، پایکوبی، مهرورزی، بخشش، مهربانی، راستگویی، نیک اندیشی، نیک گفتاری، قدرشناسی و دادگستری بنا شده است. یکی از نمادهای آن فرهنگ غنی، جشنواره^[۱] باستانی تیرگان است که از روز تیر از ماه تیر (دهمین روز ماه تیر) آغاز و بمدت ۱۰ روز بدرازا می کشیده و یکی از سه جشن بزرگ در ایران باستان بوده است.

جشنواره □ تیرگان^[۲] در آغاز یک جشن دینی و برای پاسداشت ایزد 'تیشتر' بوده که همراه با مراسم ویژه و باشکوهی برگزار می شده است. این جشن با گستردگی در سراسر کشور و با شرکت همه ی ایرانیان، کودک و جوان و پیر، زن و مرد با پایکوبی، شادی و مهر برگزار می شده است.

با آنکه 'گاتھا' از 'تیشتر' نامی نیاورده است، ولی در دین بهی [زرتشتی] یکی از ایزدان (فرشتگان) بشمار رفته و 'تیشتر یشت' (یشت هشتم) به نام وی سروده شده است. در فرهنگ بهدینی، تیشتر، فرشتن شباهنگ (وراهنگ، شبکش، کاروانکش) که درخشنده ترین ستاره در آسمان و در 'صورت فلکی سگ بزرگ' قرار دارد؛ در کنار او 'تیشترینی' یا ستاره هایی هستند که او را یاری می کنند (یشت ۸، کرده ۱۲). ایزد تیشتر، فرشته باران و روزیست وی مسئول افزایش فرآورده های کشاورزی و مبارزه با 'دیو آپوش' یا دیو خشکسالیست. نیز گل بنفشه نشانه این ایزد است.

جشن تیرگان بجز جنبه دینی، جنبه ملی و میهنی نیز دارد و با حماسه □ آرش کمانگیر پیوند خورده است. در یشت ۸ کرده ۶، از او و تیر جادویی اش سخن گفته شده است: "تشر ستاره رایومند فرهمند را می ستائیم که تند بسوی دریای فراخکرت تازد، مانند آن تیر در هوا پُران که آرش تیرانداز بهترین آریایی از کوه ائیریوخشوت بسوی کوه خوانونت انداخت."

در ادبیات ایرانی (باستانی و فرا-باستانی)، داستان جانفشانی آرش در راه ایران بدین گونه آمده است، که در زمان

پادشاهی منوچهر از خاندان پیشدادیان جنگی با توران^[3] در گرفته و بخشی از خاک ایران اشغال می شود. منوچهر به افراسیاب پیشنهاد آستی می دهد و افراسیاب پذیرای آن می گردد، به شرط آن که یکی از پهلوانان و کمانداران ایرانی تیری اندازد و در هر جایی که فرود آید، آن جا را مرز ایران و توران شناسند. پهلوانی بنام آرش برای این کار برگزیده می شود. وی بر فراز کوه 'ائیریوخشوت'^[4] رفته و از آنجا تیری به سوی خاور ایرانزمین پرتاب می کند که پس از سه روز و سه شب پرواز سرانجام در کوه 'خوانونت'^[5] فرود می آید. آرش، آنچنان نیرو و هستی خویش را برای اینکار می گذارد، که پس از رهایی تیر از کمانش، پیکرش پاره و تار و پودش بر روی خاک ایران پخش می شود.

حماسه آرش کمانگیر، که بی گمان به دیرینگی تاریخ و پیش از آمدن اقوام ایرانی به فلات مرکزی ایران می باشد، تا به امروز در فرهنگ و هستی هر ایرانی راستین زنده و پویا می باشد؛ - حماسه آرش، پیام "عشق و جانفشانی در راه میهن" است، که در وجود و هستی ملت ایران همچنان خروشان و هر بانگ آزادی خواهانه اش لرزه بر تن و در دل دشمنان ایران و ایرانی می افکند؛ - و آوای سوت و سوز تیر آرش است که پیامش را در دل تاریخ پرشکوه ایران با خود به همراه آورده و خواهد برد!

جشنواره دینی، ملی و میهنی تیرگان که بازمانده و میراث نیاکان است را به همه هم میهنانم، بویژه آنانی که عشق و شور ایرانزمین در تار و پود آنان متبلور می باشد را شاد و خجسته و فرخنده باد می گویم.

به امید شکست همه اهرمنان، ایرانستیزان^[6] و دشمنان ایرانزمین و ایرانیان.

شاپور سورنپهلو

۱۰ تیرماه ۱۳۷۶

July 01، 1997

پی نوشته ها

× - پیوند اینترنتی کوتاه شده به این نگاشته: <https://2UWOdbQ/ly.bit/>

1 - جشنواره بدین منظور است که آمیزش دو مهم فرهنگیست: پاسداشت ایزد تیشتر و نیز جانفشانی آرش کمانگیر!

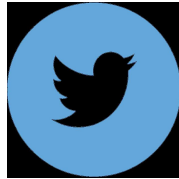
2 - واژه 'تیر' در فارسی نو، از 'تیشتر' پارسی میانه، که آن هم بنوبه خود از 'تیشتریه' ی اوستایی ریشه گرفته است.

3 - برخی بنادرستی بر این پندارند که توارنیان تُرک نژاد بوده اند. توارنیان مردمانی ایرانی نژاد و به گمانی از اقوام سکایی یا تُخاری بوده اند. مسئول ترک سازی و پیوند توارنیان ایرانی نژاد به ترکان دو تن یهودی به نام های آرم. ننوس و امبری مجاری (Vámbéry Imre) و دیوید لئون کوهن فرانسوی (Cohen Leon David) بودند که در زمان دست پا کردن یک شجره نامه برای ترکان عثمانی، به دروغ آنان را به "توران" و "توارنیان" اوستایی پیوند دادند.

4 - جای دقیق این دو کوه اوستایی روشن نیست، ولی گمان می رود که در خاوری ترین بخش فلات ایران، در جنوب کوه های پامیر و هم مرز با دشت تکلهمکان بوده است.

5 - همان

6 - این واژه را این نگارنده در سال ۱۹۹۰ ترسایی برابر اصطلاح انگلیسی 'Iranian-anti' ساخته که برای نخستین بار در مقاله ای در روزنامه "اعدام" با مدیریت آقای حاجیلو بکار برده شد.



#419ab3

